- مصدر و غیر مصدر
  - تعریف: اسم یدل علی الحدث الذی یشتق منه الفعل
  - مصدر اصلی
    - سماعی است
      - مصدر ثلاثی مجرد
        - دو نوع است
          - مصدر ثلاثی غیر مجرد
            - قیاسی است
              - ثلاثی مزید: ده باب مشهور ثلاثی مزید
              - رباعی: فَعلَلَه، تَفَعلُل، افعِنلال، افعِلّال، وزن های غیر معروف
          - دال بر یکی چیزی
            - اذا دل علی سیر و انتقال: فَعیل — رحل=رحیل
            - اذا دل علی صوت: فُعال و فعیل — صرخ=صراخ، صهل=صهیل
            - اذا دل علی داء او مرض: فُعال — زکم=زکام
            - اذا دل علی امتناع و مخالفه: فِعال — نفر=نفار
            - اذا دل علی حرفه و صنعه او اماره و حکومه: فِعاله — تجر=تجاره ، أمر=إماره
            - اذا دل علی اضطراب و انقلاب: فَعَلان — غلی=غلیان
            - اذا دل علی لون: فُعله — خضر=خضره
            - لازم و متعدی بودن
              - لازم باشد
                - فَعَلَ: فُعول — جلس=جلوس
                - فَعِلَ: فَعَل — فَرِحَ=فَرَح
                - فَعُلَ: فُعوله — سَهُلَ=سُهوله
                - فَعُلَ: فَعاله — فَصُحَ=فَصاحه
                - فَعُلَ: فَعُل — کَرُمَ=کَرَم
              - متعدی باشد: فَعَلَ و فَعِلَ — فعل — کَسَبَ=کَسب، فَهِمَ=فَهم
      - مصدر ثلاثی مجرد
        - اوزان مصدر میمی
          - تعریف: از فعل گرفته می شود ومیمی در ابتدای آن است و قوت دلالت بیشتری نسبت به مصدر اصلی دارد
          - ثلاثی مجرد
            - مَفعِل: مثال واوی که در مضارع آن فاءالفعل حذف شده است — مَوعِد و موضِع
            - مَفعَل: اجوف یائی بر وزن یَفعِلُ — مزید و مصیر
            - مَفعَل: فعل مضاعف ثلاثی مجرد
          - غیر ثلاثی مجرد: وزن اسم مفعول — مضارع مجهول به جای حرف مضارعه میم مضموم می گذاریم
        - مصدر میمی
    - مصدر صناعی
      - تعریف: دلالت بر صفات خاصه اسم میکند
      - ساختن: با اضافه کردن یاء مشدده و تاء مربوطه در آخر اسم ساخته می شود — انسانیّه و حیوانیّه
    - مصدر معلوم و مجهول
      - مصدر معلوم: مصدری برای فعل معلوم که به فاعل نسبت داده می شود — ضَرَبَ زید بکراً ضرَباً
      - مصدر مجهول: مصدری برای فعل مجهول که به نایب فاعل نسبت داده می شود — ضُرِبَ بکر ضرباً
    - مره و هیئه
      - مره
        - تعریف: مصدری که برای یک مرتبه بودن فعل است
        - وزن
          - ثلاثی مجرد: فَعلَه=ضَربه
          - غیر ثلاثی مجرد: استراحه
          - اگر بترسیم که با چیز دیگری اشتباه بشود
        - با واحده آوردن مره بودن آن را بیان میکنیم — صَیحَهٔ واحدهٔ، مقاتله واحدهٔ
      - هیات
        - تعریف: مصدری برای بیان هیات
        - وزن
          - ثلاثی مجرد: فِعله
          - غیر ثلاثی مجرد: با آوردن چیز که هیات را مشخص بکند — مقاتله شدیدا، استراحه طویلا
    - مصدر مؤول
      - تعریف: مصدری که با حروف مصدریه باموصولات حرفیه که تأویل به مصدر میبرند می آید
      - حروف مصدریه: ما، أن، أنّ، کَی، لَو
    - اسم مصدر
      - تعریف: اسمی که برای حاصل معنای مصدر و نتیجه آن دلالت میکند
      - غَسل=الغُسل
      - سماعی

طراح:محمد جواد سواری